Archive of SID

Bi-quarterly Journal of Islamic Economic Studies, Research Article,
Vol. 12, No. 1 (Serial 23) Autumn 2019 & Winter 2020

Evaluating Strategies to Achieve Economic Justice: A System Dynamics Approach

Hossein Rezaee*

Received: 03/10/2016
Accepted: 07/02/2019

Abstract

In this paper, using System Dynamics Approach to the evaluation methods of achieving economic justice. In this paper, the existing mechanisms in the economy that ultimately improved the income gap and increasing GDP per capita Which represents economic justice using causal relationships . Vensim software is used for drawing casual diagrams. The model is generated of the three sub model income gap, inflation and tax. In addition to providing social services to reduce the income gap is proportional to income deciles for basic needs the amendment to the income tax structure and transparency, to implement the Tax Justice. Tax Justice with an increase in per capita income will have an important role in reducing the income gap. Trying to reduce dependence on oil revenues and fiscal discipline are also factors in achieving economic justice. The government has also recommended the implementation of monetary and fiscal policy, inflation targeting does.

Keywords

System Dynamics, Inflation, Class Gap, Economic Justice, Tax Justice.
JEL Classification: B41, B16.

* Assistant Professor of Economics, Payame Noor University, Semnan, Iran. h.rezaei@se.pnu.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

دو فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، مقاله پژوهشی، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص. ۶۹-۸۸

ارزیابی راهکارهای دستیابی به عدالت اقتصادی با رویکرد پویایی سیستمی

حسین رضائی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۸
مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نزد نویسنده(گان) بوده است.

چکیده

در این مقاله با استفاده از رویکرد پویایی سیستمی به ارزیابی موانع دستیابی به عدالت اقتصادی می‌پردازیم. همچنین سازوکارهای موجود در اقتصاد که در نهایت سبب بهبود شکاف طبقاتی و افزایش تولید ناخالص ملی سرانه که نتیجه تحقق عدالت اقتصادی است با استفاده از روابط عِلّی و معلولی را استخراج می‌کنیم. مدل کلی از سه زیرمدل شکاف طبقاتی و تورم و مالیات تشکیل می‌شود. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد برای کاهش شکاف طبقاتی دولت علاوه‌بر ارائه خدمات اجتماعی متناسب با دهک‌های درآمدی به‌منظور تأمین نیازهای اساسی، با اصلاح ساختار مالیاتی و شفاف‌سازی جریان درآمدی، می‌تواند عدالت مالیاتی را پیاده‌سازی کند. عدالت مالیاتی همراه با افزایش درآمد سرانه نقش مؤثری درکاهش شکاف طبقاتی خواهد داشت. تلاش برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و انضباط مالی دولت به‌طور غیرمستقیم از دیگر عوامل مؤثر در تحقق عدالت اقتصادی به‌شمار می‌رود. همچنین مدل نشان می‌دهد بهبود فضای کسب‌وکار به‌واسطه کاهش نرخ بیکاری می‌تواند نقش مهمی در کاهش شکاف طبقاتی و دستیابی به عدالت اقتصادی داشته باشد.

واژگان کلیدی

پویایی سیستمی، تورم، شکاف طبقاتی، عدالت اقتصادی، عدالت مالیاتی.

طبقه‌بندی JEL: B16, B41.

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام‌نور، سمنان، ایران h.rezaei@se.pnu.ac.ir

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

عدالت اقتصادی از جمله مفاهیم هنجاری است که مصلحان همواره در طول تاریخ در پی‌تحقق و پیاده‌سازی آن بوده‌اند. عدالت در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی متبلور می‌شود، در واقع در صورتی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه عدالت محقق شده است که در تمامی امور اقتصادی، سیاسی اجتماعی و... عدالت‌سازی و جاری شده باشد. با توجه به گستردگی مفهوم عدالت، در ادبیات علمی رایج و در متون دینی ما تعاریف متعددی شده است و پیشوایان دینی ما در بحث مفاهیم و مصادیق و لزوم تحقق آن بیانات ارزشمندی دارند[1] و در این زمینه مقالات و کتب متعددی نوشته شده است. با مطالعه مفاهیم عدالت اقتصادی و مصادیق تحقق آن در متون دینی و ادبیات رایج غرب می‌توان به این نتیجه رسید که کاهش شکاف طبقاتی و بهبود رفاه عمومی از مصادیق تحقق عدالت اقتصادی هستند.

برنامه‌ریزی در جهت تحقق عدالت اقتصادی مستلزم فهم مشکلات و چالش‌های کنونی حاکم در فضای اقتصادی کشور است. فهم این مشکلات ما را در یافتن راه‌حل‌های مناسب جهت برون رفت از این مسأله (فاصله وضع موجود تا نقطه مطلوب) یاری می‌کند. غالب پدیده‌های اجتماعی ماهیت سیستمی دارند و روابط حاکم بر اجزاء این پدیده‌ها یک طرفه نبوده، بلکه یک رابطه علّی و معلولی بین اجزاء برقرار است. از طرف دیگر در کوتاه‌مدت بین بسیاری از پدیده‌ها رابطه علّی مشاهده نمی‌شود و این روابط در بلندمدت آشکار می‌شود. پدیده عدالت نیز از این امر مستثنی نیست. به‌همین دلیل در این مطالعه مسأله عدالت اقتصادی را با رویکرد پویایی سیستمی بررسی می‌کنیم. رویکرد پویایی سیستمی این امکان را می‌دهد تا روابط علّی بین پدیده‌ها در بلندمدت در چارچوب مرز مدل مشخص شود.

در این مقاله تلاش شده است با استفاده از روابط علّی، جزئی از چالش‌های تحقق عدالت اقتصادی در اقتصاد ایران بیان می شود تا ضمن درک صحیح از پویایی مفهوم عدالت اقتصادی، سازوکار تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر مصادیق عمده تحقق عدالت اقتصادی حاصل شود. با توجه به جستجوهای انجام شده، مقاله‌ای در زمینه عدالت با

www.SID.ir

Archive of SID

رویکرد پویایی سیستمی نوشته نشده است و استفاده از این رویکرد، از نوآوری‌های این مقاله محسوب می‌شود.

چارچوب مقاله به این صورت است که ابتدا مفهوم عدالت از منظر دانشمندان مسلمان و اندیشمندان غربی به اجمال توضیح داده می‌شود. به‌دلیل اهمیّت فاصله طبقاتی در مفهوم عدالت، مطالعات انجام شده در این زمینه جداگانه بررسی شده است. روابط علّی و معلولی سه زیرمدل شکاف طبقاتی، مالیات و تورم بخش بعدی مقاله را تشکیل می‌دهد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بخش‌های پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱. مبانی نظری

قران کریم تأکید بسیاری بر عدالت دارد و از آن به‌عنوان هدف بعثت نبی مکرم اسلام (صل الله علیه واله و سلم) نام می‌برد. بدین‌روی مباحث عدالت در میان علمای اسلام بر مبنای قرآن و سنت بنا شده است.

در باب تعریف عدالت مرحوم مطهری عدالت را به‌معنای تساوی و نفی تبعیض، رعایت تساوی در زمینه استحقاق های مساوی ذکر کرده است (مطهری، ۱۳۵۲، ص. ۵۹). رالز[۲] (۱۹۶۴) نیز عدالت را حق برخورداری یکسان از آزادی‌های اساسی برابر و دیاس[۳] (۱۹۸۲) آن‌را تخصیص عادلانه مزیت‌ها و نامزیت‌ها بیان کرده است.

در بحث ویژگی‌های عدالت، ژان‌ژاک روسو[۴]، هیوم[۵] و کانت[۶] عدالت را در چارچوب «قراردادهای اجتماعی» تعریف کرده‌اند (Gurvitch, 1972, p. 510). هابز و جان‌لاک[۷] عمل به قوانین طبیعی را عدالت دانسته‌اند (علم، ۱۳۷۶، صص. ۴۸-۴۹). تعیین قواعد عدالت را منوط به شناخت وضعیتی خیالی به نام «موقعیت اولیه» تعریف کرده که افراد تصمیم‌گیر در آن شرایط و در پشت پرده جهل و غفلت از وضع واقعی خود به تعیین اصول آن می‌پردازند (Rawls, 1986, p. 250). در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی قواعد ذیل به‌عنوان قواعد عدالت اقتصادی قابل بیان است.

۱-۱. حق برخورداری از منابع و ثروت‌های عمومی

بنابر نظر علامه طباطبایی، اصل محوری در بهره‌برداری از ثروت‌ها آن است که همه ثروت‌ها برای همه مردم است (طباطبایی، بی‌تا، ص. ۱۷۱). شهید صدر در دو کتاب

www.SID.ir

Archive of SID

نفیس اقتصادنا و الاسلام یقود الحیاه با تقسیم توزیع به توزیع قبل از تولید و توزیع بعد از تولید و توزیع مجدد گامی اساسی در بحث عدالت توزیعی برداشته و با روش ویژه کشفی خود، دیدگاه اسلام نسبت به توزیع عادلانه منابع طبیعی، ثروت و درآمد و توازن را استخراج کرده‌اند (صدر، ۱۴۱۱ق، صص. ۴۹۷-۵۲۳).

۱-۲. سهم‌بری براساس میزان مشارکت در تولید

در اسلام هر کس کارنیکو انجام دهد پاداش او ضایع نمی‌شود (کهف: ۳۰)[۹]. مرحوم علامه جعفری با استناد به ۸۵ سوره هود[۱۰] معتقد است کار و تلاش مفید و ارزش‌هایی را که به‌وسیله یک فرد یا گروه ایجاد شده باید فقط به صاحب یا صاحبان ایجادکننده آن داده شود (جعفری، ۱۳۷۸، ص. ۱۲۱). مرحوم شهید مطهری (۱۴۰۳) نیز استدلاله‌ای مشابه دارند.

۲. معیارهای عدالت از دیدگاه نهج‌البلاغه

علی علیه‌السلام در پاسخ به این سوال که عدل بهتر است یا جود بیان می‌دارند که «عدل کارها را در جایگاه خود قرار می‌دهد و جود و بخشش کارها را در غیرجایگاه واقعی خود قرار می‌دهد و عدالت تدبیرکننده‌ای به سود همگان و جود به نفع گروه خاص است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). بنابراین عدالت شریف‌تر و فضیل‌تر است. بر این اساس سه معیار در خصوص عدالت مطرح می‌شود، این دو معیار عبارتنداز:

۲-۱. تساوی در اصل دریافت حق

در نزد حضرت علی(ع)، افراد در دریافت از بیت‌المال سهمی یکسان دارند هر چند اما ایشان افراد بشر را نه تنها متفاوت بلکه به لحاظ استعدادهای ذاتی و شخصیتی نابرابر می‌داند و معتقد است که نظام آفرینش با حکمت و تدبیر خویش انسان‌ها را نابرابر خلق کرد تا مکمل یکدیگر باشند. البته ایشان نابرابری اجتماعی را تا آنجا که از نابرابری طبیعی افراد سرچشمه می‌گیرد را می‌پذیرد.

بر این اساس باید توجه داشت که مساوات هیچ‌گاه به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌ها در جایی که تفاوت‌هایی هست و برخورد برابر با همگان با وجود نیست و توجه به تفاوت‌های موجد حق، عین عدالت است.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۲. ایجاد فرصت برابر برای بالفعل‌کردن حقوق

ایجاد فرصت برابر برای بالفعل‌کردن حقوق به این معناست که شرایط به‌نحوی فراهم شود که هر ذی‌حقی بتواند به حق خود برسد و تأکید می‌کند نباید دوری‌ای نزدیکی به حاکم تأثیری در میزان برخورداری از امکانات بیت‌المال داشته باشد.

۲-۳. فقرزدایی

از منظر نهج‌البلاغه، اهداف حکومت در دو سطح تعریف می‌شود: سطح اول ناظر به اهداف عام حکومت است و هیچ حکومتی نباید آن را نادیده انگارد، اما سطح دوم اهداف خاص حکومت اسلامی است که حکومت به مقتضای اسلامی بودن خویش باید آنها را انجام دهد از جمله آنها احیای معالم دین و اصلاح بلاد برمی‌شمارد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱). در نامه ۵۳ نیز در کنار عمارت بلاد گرفتن خراج و بهبود اموراقتصادی، جهاد با دشمنان و تأمین امنیت را نیز برمی‌شمارد. بی‌شک رشد و سازندگی اخلاقی مردم در پیوند مستقیم با وضعیت اقتصادی قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه فقر دین انسان را ناقص، عقل و اندیشه را مشوش و بدبینی ایجاد می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹).

۳. در چارچوب اقتصاد متعارف

عدالت اقتصادی بخش اعظم عدالت در جامعه را در بر می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین بخش‌های عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است.

مهم‌ترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع کمیاب تبلور می‌یابد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب پیدایش خواسته رقیب می‌شوند (Kolm, 1996, p. 31). در بحث معیارهای عدالت اقتصادی موریس سیلور در کتاب «مبانی عدالت اقتصادی» (Kolm, 1996, pp. 66-67) قواعد و نظریه‌های عدالت را به‌طور کلی به سه دسته تقسیم کرده است:

۳-۱. قواعد و نظریه‌های منابع محور

در این دیدگاه‌ها بیش از همه ویژگی برابری همگانی در بهره‌برداری یا بهره‌مندی از منابع و مواهب عمومی و همگانی و فراهم بودن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه

www.SID.ir

Archive of SID

و برخورداری یکسان از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تأکید شده است. از جمله نظریه‌پردازان این حوزه می‌توان به جان‌لاک (۱۶۸۹)، نوزیک (۱۹۷۴)، داورکین (۱۹۸۴)[۱۱]، رومر (۱۹۸۲)[۱۲]، فلربایی (۱۹۹۵)[۱۳] و رالز (۱۹۸۶) اشاره کرد.

۳-۲. قواعد و نظریه‌های فرآیندمحور

در این قاعده محصول کار و فعالیت هر کس به خود او تعلق دارد و افراد برای فعالیت اقتصادی از آزادی برابر برخوردارند. در این زمینه می‌توان به سیلور (۱۹۸۹)، کولم (۱۹۹۶)، هایک (۱۹۶۰)، جیمز بوکانان[۱۴] (۱۹۸۶)، گاوس و سلتن[۱۵] (۱۹۹۴) اشاره کرد.

۳-۳. قواعد نتیجه‌محور و غایت‌گرا

برخی از نظریه‌پردازان در بررسی عدالت بیش از همه به بررسی نتایج حاصله و سهم‌بری افراد پرداخته‌اند، لذا در پی‌تعیین معیارهایی برای توزیع محصولات و درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی بوده‌اند یا به تعیین مسئولیت‌های اجتماعی افراد یا وظایف دولت در زمینه ایجاد تعادل درآمدی یا جبران دریافت‌های افراد از کمک‌های دولت پرداخته‌اند. در این راستا می‌توان به نظرات بنتهام و جان استوارت میل، ریچارد پانسر[۱۶] (۱۹۸۱)، بامول[۱۷] (۱۹۸۲) و واریان (۱۹۷۴)، فرانک (۱۹۸۴)[۱۸] و کناو (۲۰۰۳)[۱۹] اشاره کرد.

با توجه به اینکه کاهش شکاف طبقاتی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های برقراری عدالت است. مطالعات انجام شده در این زمینه را جداگانه بیان می‌کنیم. نتایج این مطالعات مبنای علمی روابط علّی مدل ما است.

۴. شکاف طبقاتی

بولر در سال ۱۹۸۸ میلادی با بررسی شاخص‌های ۷۵ کشور، نتیجه گرفت که کاهش تورم شتابان، به‌طور معناداری نابرابری توزیع درآمدی را کم می‌کند. همچنین، نیکسون و والترز در سال ۲۰۰۵، به بررسی انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی در کشورهای آسیای مرکزی و اثر این سیاست بر توزیع درآمدی پرداخته و نتیجه گرفتند که بی‌توجهی به تعاونی‌ها و بخش خصوصی در این کشورها فقر و نابرابری افزایش یافته است. علاوه‌بر این، در بین تحقیقات انجام شده در داخل کشور نیز، عسگری در

www.SID.ir

Archive of SID

سال ۱۳۷۰، مدل ساده‌ای را برای اثبات اثرات نامطلوب تورم بر توزیع درآمد (سهم ۱۰ درصد فقیرترین افراد) ارائه کرد.

همچنین، صدر منوچهری‌نائینی در سال ۱۳۷۶، نتایج نظریات کوزنتس را در ایران تأیید کرد و نتیجه گرفت در اقتصاد ایران، افزایش رشد اقتصادی، افزایش مالیات بر ثروت، افزایش سهم خدمات و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی و افزایش درآمدهای نفتی موجب بهبود در توزیع درآمد می‌شود، در حالی که بی‌سوادی و افزایش رشد جمعیت موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود. نظری و مظاهری نیز در سال ۱۳۹۰، با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۷، نتیجه گرفتند که رشد اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمد را کاهش و تورم، بیکاری و یارانه‌های دولتی، نابرابری را افزایش می‌دهند. نیلی و فرح بخش نیز در سال ۱۳۷۷ نتیجه گرفتند که افزایش نرخ رشد اقتصادی، باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود در حالی‌که افزایش بیکاری و تورم توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد.

با توجه به مطالعات انجام شده در بحث توزیع درآمد، جعفری‌صمیمی و قلی‌زاده کناری (۱۳۸۶)، کمیجانی و علوی (۱۳۷۸) و جلالی نائینی (۱۳۷۶) معتقدند کاهش تورم می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی و افزایش تولید شود و از این طریق کاهش شکاف طبقاتی را درپی داشته باشد. کمیجانی و محمدزاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف تبیین عوامل اثرگذار بر توزیع درآمد نشان داده‌اند که افزایش نرخ تورم در اقتصاد ایران سهم قابل توجهی در تشدید شکاف طبقاتی داشته است. یافته‌های این تحقیق همچنین بیانگر این واقعیت بوده است که نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری، به‌عنوان یکی از عوامل نابرابری درآمدی عمل کرده است. این تحقیق، تورم و بیکاری را دو عامل انتقال ثروت از دهک‌های پایین درآمدی به دهک‌های بالا در اقتصاد کشور معرفی کرده است.

جهانبین و نعمتی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان معیارها و راهبردهای عدالت در نهج‌البلاغه سه معیار تساوی در تشخیص اصل دریافت حق، ایجاد فرصت برابر برای بالفعل کردن حقوق و فقرزدایی سه معیار و کلید اصلی در تشخیص فرآیند عادلانه در نظام اقتصاد اسلامی است. همچنین رجایی و معلمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان

www.SID.ir

Archive of SID

«درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن» به استخراج شاخص‌های عدالت اقتصادی از نگاه اسلام پرداخته است.

رجایی (۱۳۹۲) در پژوهشی دیگر فهوم عدالت را به معنای نبود تفاوت فاحش طبقاتی یا قرارگرفتن عمدهٔ جامعه میانهٔ دو کرانهٔ کفاف را در قالب ابزار آماری انحرافات ارائه داد.

مهرگان و محسنی (۱۳۹۱) در تحقیقی رابطهٔ علّی گرنجری بین فقر و فساد انجام داده‌اند نشان می‌دهد رابطه بین فقر و فساد هم‌سو با هم و در یک جهت حرکت می‌کنند و یک رابطه دو سویه بین آنها برقرار است.

۵. تکنیک پویایی سیستمی

تکنیک پویایی سیستمی روشی برای تجزیه و تحلیل، حل مسأله و شبیه‌سازی سیستم است. این تکنیک روشی برای تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و مسائل پیچیده به‌شمار می‌رود که در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط فارستر در دانشگاه MIT توسعه یافت.

۵-۱. نگرش سیستمی در اقتصاد

هر مجموعه‌ای از پدیده‌ها که تحت قوانین خاصی هماهنگ با یکدیگر رفتار می‌کنند و زنجیره‌هایی از روابط علّی و معلولی را به‌وجود می‌آورند، با محدوده و مرز مشخصی از محیط اطراف خود سیستم نامیده می‌شود. گاهی در تحلیل پدیده‌های مختلف اقتصادی، ارتباط دو طرفه اجزاء با یکدیگر را با ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل بررسی می‌کنند، در صورتی‌که در غالب موارد اجزاء ارتباط متقابل با یکدیگر دارند در این شرایط نتایج صحیحی حاصل نمی‌شود. برای تحلیل سیستم‌ها، رویکرد پویایی سیستمی نسبت به دیگر رویکردهای سیستماتیک مناسب‌تر است. در این رویکرد با استفاده از روابط علّی معلولی، مسأله شبیه‌سازی می‌شود از این طریق می‌توان صحت ذهنیت مدل‌ساز و مدل طراحی شده را بررسی کرد.

در روش پویایی سیستمی برای تحلیل پدیده‌ها روابط درونی و متقابل اجزاء درونی سیستم در طول زمان درنظر گرفته می‌شود. بنابراین این رویکرد را می‌توان برای سیستم‌های ایستا و پویا استفاده کرد. پویایی سیستمی اصولا دارای نظم درونی است از این‌رو می‌توان از این ابزار برای تحلیل رفتار پدیده‌های اجتماعی استفاده کرد، لذا

www.SID.ir

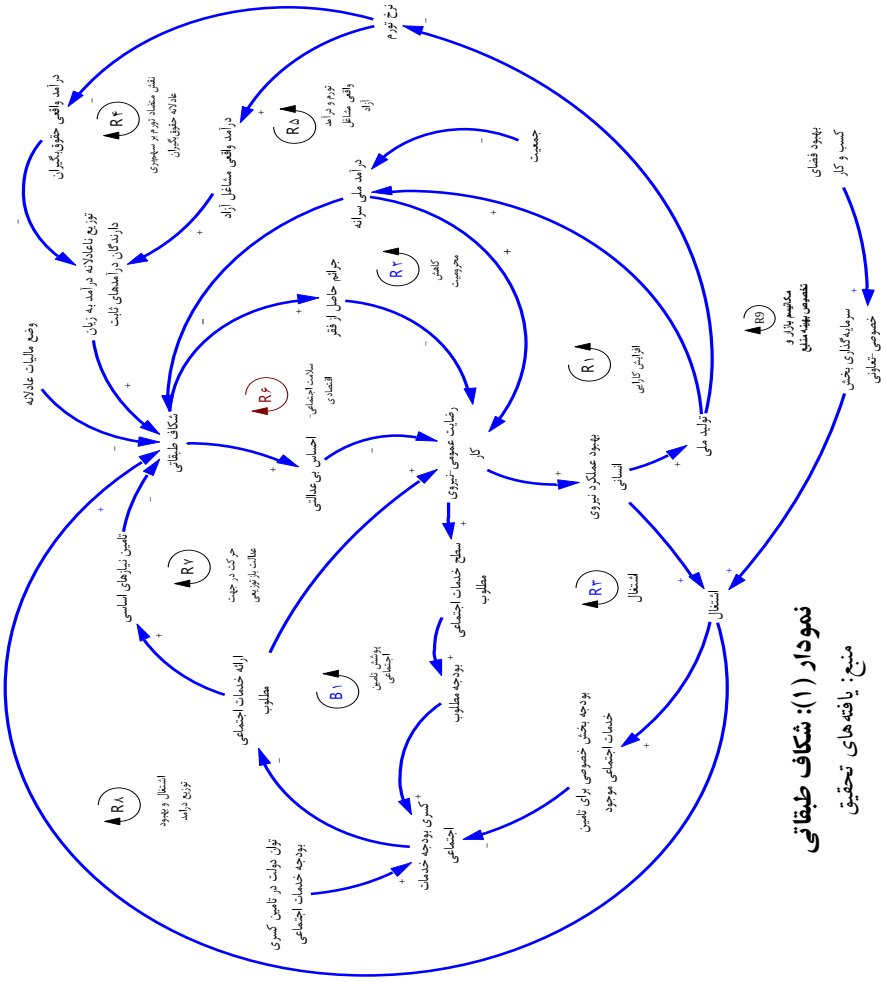
Archive of SID

پویایی سیستمی براساس روانشناسی ادراکی و اجتماعی، اقتصاد و سایر علوم اجتماعی اعمال می‌شود.

۶. ساختار کلی مدل

روابط علت و معلولی مدل کلی از سه زیرمدل شکاف طبقاتی، عدالت مالیاتی و در نهایت تورم تشکیل شده است.

۶-۱. ساختار کلی زیرمدل پیشنهادی شکاف طبقاتی



نمودار (۱): شکاف طبقاتی
منبع: یافته‌های تحقیق

www.SID.ir

Archive of SID

از نظر عدالت اجتماعی همه افراد باید حداقل رفاه را داشته باشند تا بتوانند نیازهای اولیه خود را برطرف کنند، بنابراین توصیه می‌شود یارانه به کالاهای اساسی[۲۰] تعلق گیرد. دولت از پرداخت یارانه، سه هدف عمده را دنبال می‌کند که شامل تخصیص بهینه منابع، ثبات اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها است.

پرداخت یارانه با هدف برقراری عدالت در دو سطح انجام می‌شود. بخشی از خدمات اجتماعی ارائه شده برای عموم جامعه است و بخشی دیگر ویژه نیازمندان به‌منظور تأمین نیازهای اساسی آنها انجام می‌شود. به‌منظور فراهم کردن سطح مطلوب خدمات اجتماعی[۲۱] موردانتظار بودجه معیّنی نیاز است. مابه‌التفاوت بودجه خدمات اجتماعی موجود با بودجه لازم برای سطح مطلوب خدمات اجتماعی موردانتظار، کسری بودجه خدمات اجتماعی ایجاد می‌شود. هر چه بودجه خدمات اجتماعی موجود بیشتر باشد، امکان ارائه خدمات اجتماعی مطلوب بیشتر شده در نتیجه با افزایش رفاه عمومی به‌ویژه در مناطق محروم، رضایت عمومی افزایش می‌یابد. هر چه سطح رضایت عمومی بیشتر باشد توقع ارتقاء خدمات اجتماعی مطلوب بیشتر می‌شود (پوشش تأمین اجتماعی B1).

از طرف دیگر تأمین نیازهای اساسی دهک‌های پایین درآمدی، سبب کاهش شکاف طبقاتی می‌شود. به‌گونه‌ای که کاهش شکاف طبقاتی احساس بی‌عدالتی را در جامعه کاهش می‌دهد و در نهایت رضایت عوامل تولید (نیروی‌کار) را افزایش می‌یابد (حرکت در جهت عدالت توزیعی R_7).

افزایش رضایت عمومی سبب بهبود بهره‌وری نیروی‌انسانی و به تبع آن افزایش تولید ملی می‌شود. با توجه به جمعیت موجود، افزایش تولید ملی، درآمد سرانه را افزایش می‌دهد. مطالعات متعددی ارتباط مستقیم بین افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری درآمد را نشان می‌دهد (نظری و مظاهری،۱۳۹۰، صص. ۲۲-۳۷). در واقع هر عاملی که سبب افزایش رشد اقتصادی شود سبب بهبود توزیع درآمدی نیز خواهد شد (قلی‌زاده و جعفری، ۱۳۸۶، صص. ۴۵-۷۵؛ کمیجانی و علوی، ۱۳۷۸، صص. ۲۹-۵۶؛ جلالی‌نایینی، ۱۳۷۶، صص. ۱۲-۳۵) (افزایش کارایی R_1).

www.SID.ir

Archive of SID

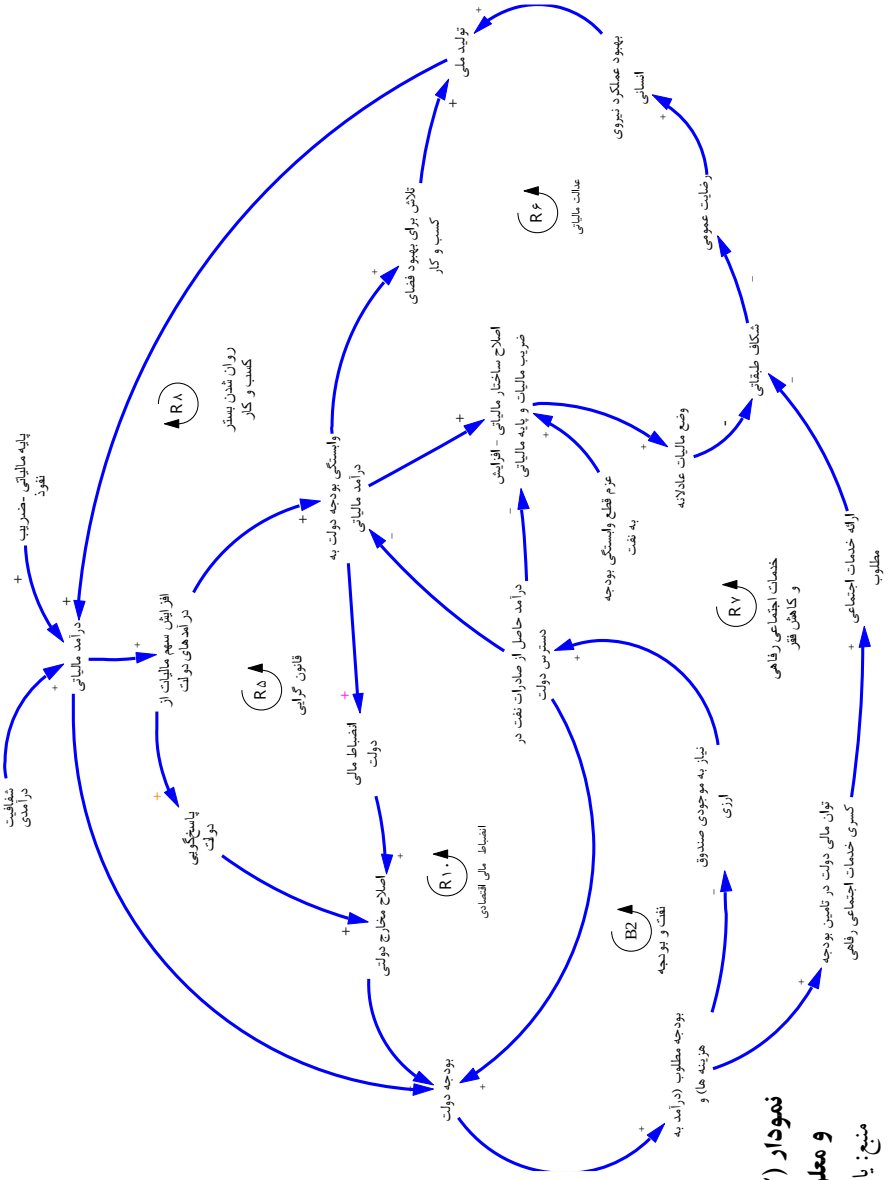
از طرف دیگر افزایش درآمد سرانه می‌توانند همراه با وضع مالیات‌های عادلانه[۲۲] شکاف طبقاتی را کاهش دهد (کاهش محرومیت R_2). همچنین افزایش تولید ملی حاصل از بهره‌وری نیروی انسانی سودآوری بخش تولید را افزایش می‌دهد که این امر می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال را افزایش دهد. افزایش اشتغال مستقیماً سبب کاهش فقر و شکاف طبقاتی می‌شود. در واقع نبود فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری به‌عنوان یکی از عوامل افزایش نابرابری درآمدی عمل می‌کند (کمیجانی و محمدزاده، ۱۳۹۳، صص. ۵-۲۴) (حلقه افزایش اشتغال R_8) افزایش اشتغال بودجه تأمین خدمات اجتماعی موجود را بالا می‌برد (حلقه اشتغال R_3). به‌واسطه بهبود مقدار و توزیع خدمات اجتماعی، نیازهای اساسی افراد فقیر تأمین شده و این مسأله سبب کاهش جرم و جنایت و افزایش رضایت عمومی می‌شود (مهرگان و محسنی، ۱۳۹۱، صص. ۲۹-۵۶) (سلامت اجتماعی – اقتصادی R6).

تحقیقات متعددی در زمینه ارتباط بین نرخ تورم و شکاف طبقاتی انجام شده است. نتایج همه پژوهش‌ها حاکی از تأثیر منفی افزایش نرخ تورم بر توزیع درآمد است (نیلی و فرح‌بخش، ۱۳۷۷، صص. ۱۲۱-۱۵۵؛ کمیجانی و محمدزاده، ۱۳۹۳، صص. ۴-۲۵). (حلقه تورم و توزیع درآمد واقعی R_4 و R_5)[۲۳]. تلاش برای بهبود فضای کسب‌وکار سبب افزایش سرمایه‌گذاری بخش‌خصوصی و به‌تبع آن افزایش اشتغال می‌شود. هر چه میزان حضور بخش خصوصی در مقابل بخش دولتی در اقتصاد بیشتر شود سازوکار بازار در فرآیند قیمت‌گذاری و تخصیص منابع قوی‌تر می‌شود. بسیاری از اندیشمندان غربی و داخلی بر این باورند که اقتصاد عدالت‌محور صرفاً از طریق «نظام بازار» در دسترس است و عدالت در بهترین حالت وقتی حاصل می‌شود که اصول بازار رقابتی در عرصه اقتصاد حاکم شود (مکانیسم بازار و تخصیص بهینه منابع R_9). بنابراین تلاش دولت برای بهبود فضای کسب‌وکار به دو طریق سبب بهبود تحقق عدالت می‌شود اول از طریق گسترش سازوکار بازار سبب توزیع عادلانه درآمد بین عوامل تولید می‌شود و دوم با گسترش اشتغال، شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد (اشتغال و بهبود توزیع درآمد R_8).

www.SID.ir

Archive of SID

۶-۲. روابط علّی زیرمدل عدالت مالیاتی



نمودار (۲): روابط علت و معلولی مالیات

منبع: یافته‌های تحقیق

www.SID.ir

Archive of SID

درآمد غالب دولت از دو بخش درآمد مالیاتی و درآمد حاصل از صادرات نفت خام تشکیل شده است. افزایش هر یک از منابع درآمدی، دولت را در ارائه خدمات اجتماعی مطلوب یاری می‌کند (حلقه تقویت‌کننده R7). از طرف دیگر هر چه سهم درآمدهای نفت در بودجه کمتر شود وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی بیشتر می‌شود. دولت به‌منظور افزایش درآمد خود از محل مالیات‌ها، تلاش می‌کند با اصلاح فضای کسب‌وکار، درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد (روان شدن بستر کسب‌وکار R8). با بهبود بودجه مطلوب حاصل از افزایش درآمد مالیاتی، نیاز به منابع ارزی حاصل از درآمدهای نفتی کاهش یافته و به تبع آن سهم نفت در بودجه کاهش می‌یابد (حلقه نفت و بودجه B2).

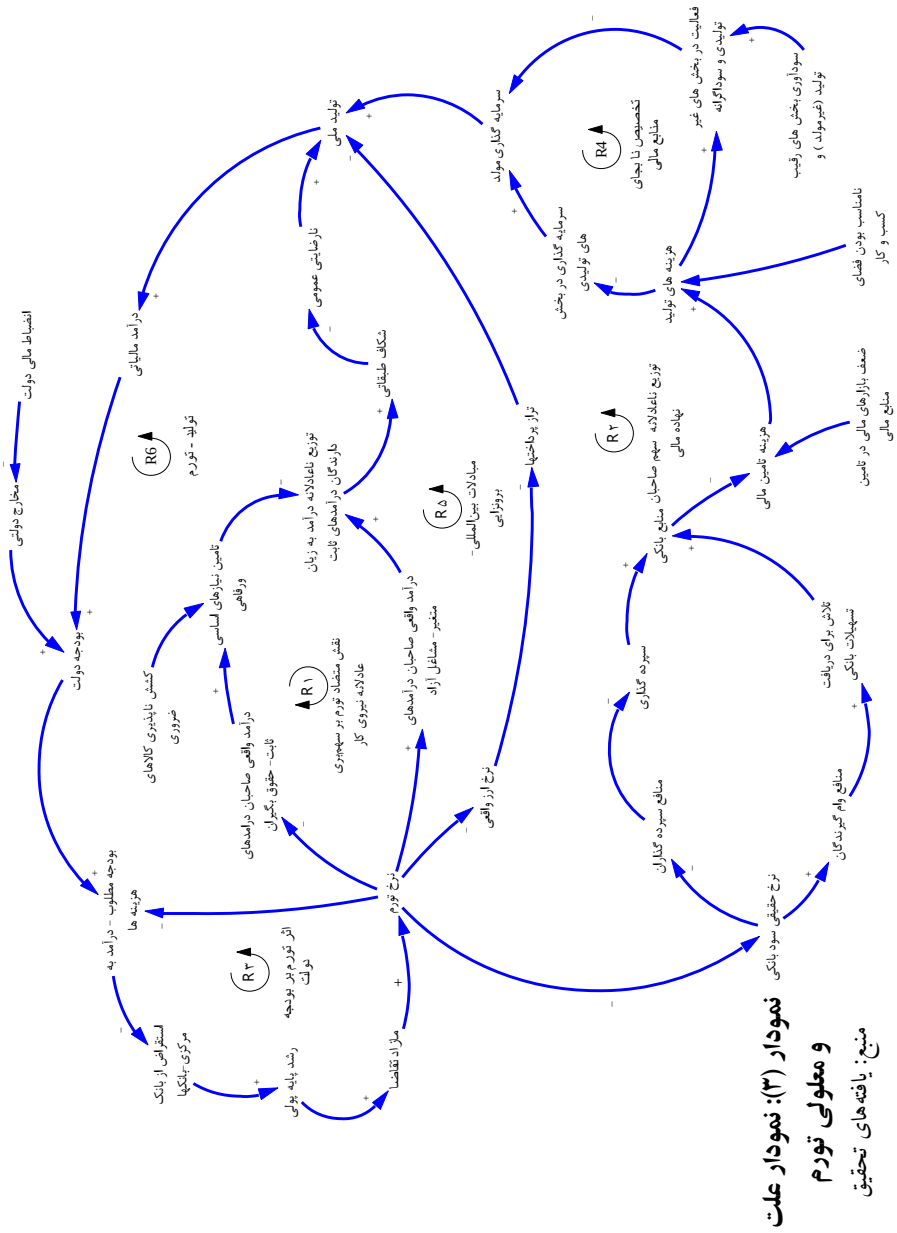
افزایش درآمد مالیاتی سبب افزایش سهم مالیات از درآمدهای دولت می‌شود. کاهش سهم درآمدهای نفتی و افزایش درآمدهای مالیاتی سبب افزایش پاسخ‌گویی دولت و در نتیجه آن اصلاح مخارج دولتی و استفاده بهینه از بودجه (بهبود عملکرد مالی) دولت خواهد شد (حلقه شفافیت درآمدی R۵). افزایش وابستگی بودجه دولت به درآمد مالیاتی سبب بهبود انضباط مالی دولت و افزایش بودجه مطلوب دولت (نسبت درآمدها به هزینه‌ها) می‌شود. در نتیجه وابستگی دولت به درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد (حلقه انضباط مالی دولت R_{10}).

اصلاح ساختار مالیاتی از دو طریق گسترش پایه مالیاتی و اصلاح ضریب مالیاتی محقق می‌شود. با اصلاح ساختار مالیاتی و وضع مالیات عادلانه، شکاف طبقاتی کاهش یافته و با افزایش رضایت عمومی و بهبود عملکرد نیروی‌انسانی (افزایش بهره‌وری نیروی‌کار)، تولید ملی افزایش می‌یابد. افزایش تولید سبب افزایش درآمد مالیاتی می‌شود (حلقه عدالت مالیاتی R6).

www.SID.ir

Archive of SID

۶-۳. روابط علّی زیرمدل تورم



نمودار (۳): نمودار علت و معلولی تورم

منبع: یافته‌های تحقیق

www.SID.ir

Archive of SID

زمانی که دولت کسری بودجه داشته باشد این کسری بودجه را به روش‌های مختلف جبران می کند. در صورتی‌که دولت‌ها ساده‌ترین روش را برای جبران کسری بودجه خود انتخاب نماید و از طریق استقراض از بانک مرکزی این کسری را جبران کنند این عمل سبب افزایش پایه پولی شده و به‌تبع آن افزایش نقدینگی و تورم را به همراه دارد. در شرایط کنونی قانون اجازه استقراض از بانک مرکزی را به دولت نمی‌دهد به همین دلیل دولت با استقراض از بانک‌ها نیاز خود را تأمین کرده و تورم ناشی از کسری بودجه دولت از طریق بدهی شبکه بانکی به بانک مرکزی بر اقتصاد تحمیل می‌شود.

نرخ تورم آثار منفی متعددی بر اقتصاد دارد که این آثار در تورم دو رقمی رایج در ایران بسیار شدیدتر است. در مورد آثار منفی تورم بر اقتصاد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- آثار مخرب تورم بر توزیع درآمدها: عدم‌تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدها موجب می‌شود که بهبود درآمد واقعی برخی از طبقات و گروه‌ها (درآمدهای متغیّر) به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر (درآمدهای ثابت) افزایش یابد. در واقع صاحبان درآمدهای متغیّر غالباً با انتقال بار تورمی به دیگران مانع از کاهش درآمد واقعی خود می‌شوند، ولی به‌دلیل اینکه به خاطر نامعیّن بودن نرخ تورم آتی، نرخ افزایش حقوق و دستمزد کمتر از نرخ تورم انتظاری است، درآمد واقعی عوامل تولید کاهش خواهد یافت. با توجه به اینکه کالاهای ضروری بی‌کشش یا کم‌کشش است، لذا تورم‌های مزمن و دو رقمی آثار رفاهی مخربی بر طبقات محروم جامعه خواهد داشت (سهم‌بری ناعادلانه نیروی‌کار R1).
- اثرات تورم بر پس‌انداز: تورم سبب کاهش ارزش حقیقی دارایی‌های نقدی می‌شود. در شرایط تورمی تمایل عمومی به نگهداری پول نقد و پس‌انداز کاهش می‌یابد و تقاضا به سمت خرید دارایی‌های غیرنقدی به‌ویژه کالاهای غیرمبادله تغییر می‌کند. در حقیقت به‌دلیل برتری نسبی منافع دارایی‌های غیرنقدی به نرخ سپرده بانکی به‌دلیل کاهش نرخ بهره حقیقی (چه بسا منفی شدن آن)، سپرده‌گذاری در بانک‌ها کاهش می‌یابد و با توجه به ناکارآمدی بازارهای مالی غیربانکی در

www.SID.ir

Archive of SID

تأمین مالی تولیدکنندگان و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار، هزینه تولید افزایش می‌یابد. بخش تولید با توجه به بازدهی مثبت بازارهای رقیب تضعیف می‌شود و در نهایت با کاهش حجم سرمایه‌گذاری، تولید ملی کاهش می‌یابد (سهم‌بری ناعادلانه صاحبان نهاده های مالی R_2). همچنین با توجه به هزینه بالای تولید و سودآوری بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه، سرمایه‌گذاری دربخش‌های غیرمولد رونق می‌گیرد (ناکارآمدی تخصیص منابع R_4).

- آثار تورم بر بودجه دولت: با افزایش تورم، میزان مخارج دولت افزایش می‌یابد. به این معنا که به‌واسطه تورم بالا، هزینه عوامل تولیدی (مانند دستمزد نیروی‌کار) افزایش می‌یابد همچنین دولت مجبور است مانند سایر مصرف‌کنندگان کالاهای مصرفی خود را نیز با هزینه بالاتری نسبت به دوره قبل خریداری کند. بنابراین به‌واسطه ادامه تورم مزمن، در صورت عدم‌افزایش منابع درآمدی، دولت برای تأمین مخارج خود دچار کسری بودجه مداوم می‌شود (تأثیر تورم بر بودجه دولت R_3).
- اثر تورم بر روابط بازرگانی خارجی: با افزایش نرخ تورم داخلی و پایین بودن نرخ تورم کشورهای طرف مبادله، در صورتی‌که نرخ ارز متناسب با نرخ تورم تعدیل نشود، کالاهای داخلی رقابت خود را در مقابل رقبای خارجی از دست می‌دهند به‌همین دلیل تراز پرداخت‌ها با کسری مواجه شده و به تبع آن تولید ملی کاهش می‌یابد (حلقه مبادلات بین‌المللی R_5).

بنابراین می‌توان گفت که تورم با کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران و سپرده‌گذاران و افزایش درآمد حقیقی مشاغل آزاد و وام‌گیرندگان به شکاف طبقاتی دامن می‌زند[۲۴]. همچنین با ایجاد نااطمینانی در جامعه و انحراف فعالیت‌های مولد به‌سمت فعالیت‌های غیرمولد و کاهش پس انداز و تشدید کسری تراز پرداخت‌ها می‌تواند آثار منفی بر تولید ملی داشته باشد. کاهش تولید ملی سبب کاهش درآمد مالیاتی دولت و در نهایت کسری بودجه می‌شود (حلقه تولید و تورم R_6).

www.SID.ir

Archive of SID

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به روابط علّی و معلولی سه زیرمدل شکاف طبقاتی، تورم و عدالت مالیاتی، نتایج ذیل سبب کاهش شکاف طبقاتی و افزایش درآمد ملی سرانه می‌شود که در واقع به عدالت اقتصادی نزدیک می‌شویم.

ارائه خدمات اجتماعی مناسب مانند بهداشت و آموزش برای عموم جامعه (مساوات) و ارائه خدمات اجتماعی متناسب با دهک‌های درآمدی به‌منظور تأمین نیازهای اساسی و اولیه و لزوم شفاف‌سازی جریان درآمدی افراد به‌منظور ارائه بهتر خدمات اجتماعی به گروه‌های هدف، افزایش اشتغال بخش خصوصی (خصوصی و تعاونی) به‌منظور کاهش فقر و شکاف طبقاتی حاصل از بهبود فضای کسب‌وکار ازجمله نتایج حاصل شده زیر مدل شکاف طبقاتی است. همچنین با توجه به چارچوب مدل، تورم نقش مستقیمی در افزایش شکاف طبقاتی دارد.

در زیرمدل عدالت مالیاتی، سهم پایین مالیات‌ها در بودجه دولت از ابعاد مختلف تأثیرات غیرمستقیم مؤثری بر شکاف طبقاتی دارد. به این معنا که به‌دلیل نامطلوب بودن مالیات در اذهان جامعه، دولت طی دهه‌های گذشته به‌واسطه درآمدهای سرشار نفتی از درآمدهای مالیاتی بی‌نیاز و غافل بوده، در نتیجه به‌طور جد، در پی‌اصلاح ساختار مالیاتی و بهبود فضای کسب‌وکار برای افزایش درآمد مالیاتی نبوده است. ضعف ساختار مالیاتی از یک طرف سبب بی‌عدالتی مالیاتی و افزایش شکاف طبقاتی می‌شود و از طرف دیگر با نامساعد بودن فضای کسب‌وکار، بخش تولید مولد و اشتغال آسیب می‌بیند و افزایش بیکاری و کاهش اشتغال، شکاف طبقاتی را افزایش می‌دهد.

در زیرمدل تورم، به‌دلیل بی‌انضباطی مالی، دولت به کسری بودجه مبتلا می‌شود که با استقراض از سیستم بانکی مشکلات عدیده‌ای از جمله تورم مزمن در اقتصاد ایجاد می‌شود. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها از یک طرف با کاهش قدرت خرید صاحبان درآمدهای ثابت نسبت به مشاغل آزاد سبب توزیع ناعادلانه درآمد به زیان صاحبان درآمدهای ثابت می‌شود و از طرف دیگر در فضای نظام ارزی (تقریباً) ثابت با کاهش نرخ ارز واقعی، واردات را افزایش و صادرات را کاهش می‌دهد. همچنین با کاهش نرخ بهره واقعی سپرده‌گذاران زیان و وام‌گیرندگان منفعت می‌برند. کاهش منابع بانکی

www.SID.ir

Archive of SID

حاصل از این امر، هزینه تأمین مالی تولید از سیستم بانکی به‌عنوان تنها منبع تأمین‌کننده مالی افزایش می‌یابد. همه این مسائل نشان‌دهنده رابطه منفی بین تورم و تولید ملی است.

یادداشت‌ها

۱. از جمله این منابع می‌توان به کتاب گهربار نهج‌البلاغه اشاره کرد.

2. Ralz
3. Dias
4. Jean-Jacques Rousseau
5. Hium
6. Kant
7. Habz & Janlac
8. Rawls

۹. «انا لا نضیع اجر من احسن عملا».

۱۰. ولا تبخسو الناس اشیائهم و لا تعثوا فی‌الارض مفسدین.

11. Dowerkin
12. Roemer
13. Fleubaery
14. Buchanan
15. Guth & Selten
16. Posner
17. Baumol
18. Frank
19. Konow

۲۰. کالاهایی که برای رفع نیازهای اولیه شخص مورداستفاده قرار می‌گیرد مانند نان، انرژی، امکانات پزشکی و بهداشتی و...؛ کالاهای مشمول یارانه باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند: اول اینکه کالا باید دارای ضریب اهمیّت ویژه در سبد مصرفی خانوار باشد، تا بتواند انتقال درآمدی در جامعه را ایجاد نماید. دوم اینکه کالاهای تحت یارانه‌ای باید در اختیار عموم و خصوصاً افرادی که در مناطق محروم و نواحی روستایی زندگی می‌کنند، قرار گیرد. سوم اینکه کالای انتخابی باید دارای کشش درآمدی پایین باشد یعنی برای طبقات کم‌درآمد جامعه کالای پست یا ضروری باشد.

۲۱. منظور از خدمات اجتماعی اعم از خدمات درمانی است.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۲. منظور از مالیات عادلانه رعایت اصول برابری عمودی و برابری افقی است.

۲۳. توضیح کامل آن در بخش زیرمدل تورم.

۲۴. موارد ذکر شده در شرایط تورم‌های دورقمی که درصد افزایش دستمزد و نرخ سود بانکی کمتر از نرخ تورم باشد صدق می‌کند.

کتابنامه

جعفری‌صمیمی، احمد، و قلی‌زاده‌کناری، صدیقه (۱۳۸۶). بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه؛ شواهدی جدید. *فصلنامه نامه مفید*، ۱۳(۶۳)، ۴۵-۵۸.

جهانبین، فرزاد، و نعمتی، محمد (۱۳۹۴). معیارها و راهبردهای عدالت در نهج‌البلاغه. *فصلنامه پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، ۳(۱۰)، ۱۰۳-۱۲۲.

خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۰). بازخوانی و نقد نظریه‌های عدالت اقتصادی در قرن بیستم. *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۱۸(۶۸)، ۱۰۹-۱۴۶.

رالز، جان (۱۳۸۳). *عدالت به‌مثابه انصاف* (عرفان ثابتی، مترجم)، تهران: ققنوس.

رجایی، محمدکاظم، و معلمی، مهدی (۱۳۹۰). درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن، *دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۴)، ۵-۳۰.

سالیوان، راجر (۱۳۸۰). *اخلاق در فلسفه کانت* (عزت‌الله فولادوند، مترجم)، تهران: طرح‌نو.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به‌مثابه آزادی* (حسین راغفر، مترجم)، تهران: کویر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا.

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۲). *اقتصاد مقاومتی نظریه‌ها و راهکارها*. تهران: سدید.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۶). *شاخص‌های عدالت اقتصادی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کمیجانی اکبر؛ و محمدزاده، فریدون (۱۳۹۳). تأثیر تورم بر توزیع درآمد و عملکرد سیاست‌های جبرانی، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۲(۶۹)، ۵-۲۴.

کمال، سیدمحمد؛ و بحرانی، مرتضی (۱۳۸۷). *نظریه عدالت*. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

لاک، جان (۱۳۸۷). *رساله‌ای درباره حکومت* (حمید عضدانلو، مترجم). تهران: نی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). *عدل الهی*. تهران: صدرا.

مهرگان، نادر، و محسنی، الهه (۱۳۹۱). بررسی رابطه علّی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۶)، ۲۹-۵۶.

www.SID.ir

Archive of SID

والزر، مایکل (۱۳۸۹). *حوزه‌های عدالت* (صالح نجفی، مترجم). تهران: ثالث.

هابز، توماس (۱۳۸۰). *لویاتان* (حسین بشیریه، مترجم). تهران: نی.

رجایی، محمدکاظم، و معلمی سیدمهدی (۱۳۹۰). درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن. *دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۴(۲۶)، ۵-۳۰.

رجایی، محمدکاظم (۱۳۹۲)، مفهوم و معیار عدالت اقتصادی، *دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۹(۹)، ۸۰-۱۰۵.

Buchanan, J. M. (1986). *Liberty, Market and State: Political Economy in the 1980s*. Wheatsheaf Books.

Dias R. W. M. (1982). Jurisprudence, 5th ed. UK, Butterworth & CO. Publishers, Ltd

Gurvitch, G. (1972). Encyclopedia of Social Sciences seligman Edwin R. A & . K. Alvin Johnson (ed), vol 8, *the Macmillan company*, New York .

Hayek, F. A. V. (1960). The Constitution of Liberty University of Chicago Press. *Chicago Ill*.

Hayek, F. V. (1976). The Mirage of Social Justice, New York, Routledge.

Kolm, S. C. (2002). *Modern Theories of Justice*. MIT Press.

Konow, J. (2003). Which is the Fairest one of all? A Positive Analysis of Justice Theories. *Journal of Economic Literature*, *41*(4), 1188-1239.

Leventhal, G. S., & Michaels, J. W. (1971). Locus of Cause and Equity Motivation as Determinants of Reward Allocation. *Journal of Personality and Social Psychology*, *17*(3), 229.

Murnion, W. E. (1989). The Ideology of Social Justice in Economic Justice for all. *Journal of Business Ethics*, *8*(11), 847-854.

Nozik, R. (2009). Anarchy, the State and Utopia.

Posner, R. A. (1981). *The Economics of Justice*. Harvard University Press.

Rawls, J. (1964). Justice as Fairness, the Philosophical Review, 67.

Rawls j. (1996). A Theory of Justice, Oxford University Press .

Sandel, M. J. (2010). *Justice: What's the Right Thing to do?* Macmillan.

Sen, A. (2000). Social Justice and the Distribution of Income. *Handbook of Income Distribution*, *1*, 59-85.

Silver, M. (1989). *Foundations of Economic Justice*. Oxford: Blackwell.

Taymiyyah, I. (1963). Majmu Fatawa Shaykh al-Islam Ahmad ibn Taymiyyah. *Riyad: Matabe'al-Riyad*, *1382*, 8.

Werner, G. & selten, R. (1994). Distributive Justice: A Behevioral Theory and Emprical Evidence, *Essays on Economic Psychology* .

www.SID.ir